

## راهبردهای مدیریت فرهنگی - اجتماعی پیامبر اکرم در مواجهه با یهودیان مدینه

ابراهیم کارگران / کارشناس ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم  
سید محمدحسین هاشمیان / استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم

دربافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

### چکیده

هجرت پیامبر اکرم به مدینه با امضای پیمان نامه صلح آمیز با یهودیان مدینه همراه بود. این پیمان نامه زندگی مسامتم آمیز مسلمانان و یهودیان را به دنبال داشت. اما یهودیان پس از چندی پیمان شکنی کردند و گفته های پیشین خود را انکار نمودند و به حمایت از مشرکان پرداختند. این امر درنهایت منجر به مواجهه پیامبر با یهودیان و اتخاذ راهبردهای فرهنگی - اجتماعی در تقابل با آنان شد. بررسی این راهبردها می تواند الگوی مناسبی برای حکومت های اسلامی در مناسبات و تعاملات خود با یهودیان در دنیای امروز ارائه دهد. این پژوهش با رویکردی تاریخی - تحلیلی و با استفاده از الگوی سوات (SWOT) به دنبال شناسایی، طبقه بندی و اولویت بندی راهبردهای مدیریت فرهنگی اجتماعی پیامبر در مواجهه با یهودیان است. یافته های پژوهش نشان می دهد: «دستیابی به استقلال فرهنگی» و «اختناسازی و مقاوم سازی مسلمانان در مقابله با جنگ فرهنگی» دو راهبرد اساسی پیامبر بوده است. هر یک از این راهبردها نیز دارای تاکتیک ها و تکنیک های خاصی است.

**کلیدواژه ها:** مدیریت راهبردی، پیامبر اکرم، یهود، استقلال فرهنگی، جنگ فرهنگی، مقاوم سازی مسلمانان.

با توجه به تصریح قرآن، مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته در تاریخ حیات پیامبر ﷺ، در می‌باید یهودیان نقشی محوری علیه پیامر داشتند. اهمیت دوران حکومت پیامبر ﷺ و شیوه عملکرد آن حضرت در مواجهه با یهودیان، اقتضا می‌کند تا رفتارهای پیامبر با یهودیان بررسی و تحلیل گردد. یهودیان در صدر اسلام از جمله ساکنان مؤثر حجاز و بهویژه مدینه محسوب می‌شدند. آنان آیین خاصی داشتند؛ برخی حضرت محمد ﷺ را پیامبر الهی و برخی دیگر نیز همچون عوام مردم، مبلغ دینی جدید می‌شناختند.

بنا بر شواهد تاریخی، بسیاری از ایشان - در ظاهر - از ابتدا با پیامبر ﷺ دشمنی نداشتند. پیامبر ﷺ نیز بنا بر رسالت‌شان، یعنی هدایت بشر و اتمام حجت در قبال یهودیان، در برخورد با آنان از ابتدا رویکردی تهاجمی نداشتند تا از تبدیل یک مشکل بالقوه به مشکل بالفعل، یعنی دشمنی و لجاجت یهود در آینده جلوگیری نمایند. ایشان در مواجهه با یهودیان بنا به مقتضیات آن دوران، روش‌ها و تعاملاتی با آنان داشتند؛ از جمله انعقاد پیمان‌نامه، تعیین جزیه، جنگ، صلح و مانند آن. این روش‌ها و تعاملات در شرایط گوناگون، می‌تواند نمایانگر رویکردهای مدیریتی پیامبر ﷺ باشد. با کنار هم قرار دادن آنها می‌توان به رفتارها و اقضائات و شرایط آن زمان و راهبردهای پیامبر ﷺ دست یافت.

یهودیان با بدمعهدی، زمینه مواجهه با پیامبر ﷺ را فراهم آوردند. آنان برای رسیدن به مطامع دنیوی و مهم‌تر از آن، برای از دست ندادن مرجعیت علمی و دینی خود در حجاز، ابتدا با پیامبر ﷺ پیمان‌نامه امضا کردند که با ایشان دشمنی نکنند؛ اما طولی نکشید که پیمان‌شکنی آنان در حوزه‌های گوناگون منجر به مواجهه با پیامبر شد. بر این اساس، لازم است به کارشنکنی‌های یهود در حوزه فرهنگی - اجتماعی اشاره شود تا علل رویارویی آنان با پیامبر ﷺ روشن گردد:

الف. شبیه‌افکنی یهود مدینه در مسائل اعتقادی؛ مانند نسبت دادن فقر به خدا (آل عمران: ۱۸۱)، بازی گرفتن اصل دین (ر.ک: آل عمران: ۷۲؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۳) و ایجاد تردید در مشرکان با ترجیح بتبرستی بر خدایبرستی (ر.ک: نساء: ۵۱؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۲).

ب. تلاش برای ارتداد مسلمانان (آل عمران: ۶۹)، کفر به پیامبر ﷺ و تحریم افشاء نشانه‌های نبوت (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۷)، تحریف در تورات (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۱)، تلاش برای به انحراف کشیدن پیامبر ﷺ (ر.ک: مائدہ: ۴۹؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۷) و توبیخ نومسلمانان (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۷؛ واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۷-۵۶).

ج. انکار، انحراف و دشمنی؛ مانند انکار نبوت (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۴)، انکار قیامت (طباره، ۱۹۷۹، ص ۳۷)، انحراف از توحید (توبه: ۳۱ و ۳۰؛ مائدہ: ۱۸؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۴) و دشمنی با جبرئیل امین (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۳).

مواجهه پیامبر ﷺ با یهود دو نوع بود:

یکم، مواجهه مستقیم با یهود؛ مانند مواجهه نظامی با بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیبر.

دوم، مواجهه غیرمستقیم؛ یعنی گاهی پیامبر مستقیم با یهود درگیری نداشتند؛ اما یهودیان نقش توطئه‌گری علیه پیامبر ﷺ را به صورت غیرمستقیم داشتند؛ مانند نقش آنان در جنگ‌های بدر، احد و احزاب. بنابراین، پژوهش حاضر هرچند برای برخی از راهبردهای اتخاذ شده توسط آن حضرت، بهمثابه راهبرد استخراج شده از مواجهه مستقیم با یهود شاهدی ندارد؛ اما راهبردهای شناسایی شده دلالت‌ها و تأثیراتی جدی در خصوص تنظیم روابط جامعه مسلمانان با یهود داشته است.

چون در جهان امروز، یهود و صهیونیسم جهانی در پی طرح‌ریزی انواع فتنه‌ها علیه امت اسلامی هستند، حکومت‌های اسلامی نیز می‌توانند با الگوگیری از سیره و روش پیامبر ﷺ راهبرد خود را در مناسبات و تعاملات با یهودیان عصر حاضر تعیین نمایند. ازین‌رو، امروزه که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دین اسلام پایه‌گذاری شده است، آگاهی از شیوه عملکرد مدیریت راهبردی حکومت پیامبر ﷺ در موقوفیت نظام اسلامی ضرورت فراوانی پیدا می‌کند. بدین‌روی شیوه‌های مواجهه پیامبر با یهودیان، می‌تواند به خوبی الهام‌بخش و تعیین‌کننده نوع مواجهه جمهوری اسلامی با یهودیان عصر حاضر باشد.

این مقاله می‌کوشد با پهنه جستن از آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت ﷺ و منابع تاریخی معتبر، به دلایل این مواجهه‌ها دست یابد. سپس با استخراج شاخص‌های مدیریت راهبردی در منابع مدیریتی بتواند با تطبیق رفتارهای پیامبر ﷺ به این شاخص‌ها دست یابد. با توجه به تأکید قرآن بر تعیین تکلیف یهودیان، بهمثابه یک مسئله مهم و مبتلا به امت اسلامی، می‌توان به نوعی، «بیانیه مأموریت» پیامبر ﷺ در برخورد با یهود را استنباط نمود.

سپس می‌توان با سنجش عوامل خارجی و محیطی، اعم از تهدیدها و فرصت‌های یهودیان و نقاط ضعف و قوت ایشان نسبت به جامعه اسلامی و در ادامه، بررسی سیره و بیان پیامبر ﷺ، به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت ایشان در مواجهه با یهود دست یافت و در نهایت، راهبرد پیامبر در مواجهه با یهود را تحلیل نمود.

شیوه این پژوهش در دستیابی به روش پیامبر ﷺ شیوه‌ای پسینی است؛ به این معنا که به دنبال تحلیل مجموعه رفتارها و واکنش‌های پیامبر ﷺ در برابر یهود است تا به راهبردهای فرهنگی - اجتماعی ایشان در مواجهه با یهودیان دست یابد. در این روش می‌توان راهبردهای پیامبر ﷺ را بهمثابه الگوی مدیریت راهبردی اسلامی، از باب عمل به آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، در سطوح گوناگون مدیریتی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت.

این اثر در پی این پرسش اساسی است که پیامبر ﷺ در برخورد با یهودیان، کدام راهبرد فرهنگی - اجتماعی را به کار گرفتند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهش روشنمندی با موضوع «راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با

یهودیان» صورت نگرفته؛ اما کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی مشابه با عنوان و محتوای پژوهش حاضر وجود دارد؛ از جمله کتاب پیامبر<sup>ص</sup> و یهود حجاز (صادقی، ۱۳۸۶) که به موضوعاتی همچون روابط دوستانه و انعقاد پیمان‌ها و برخوردهای غیرنظاریمی یهود، روابط خصم‌انه آنان، شامل جنگ‌ها و سریه‌ها به‌گونه‌ای دقیق پرداخته است. همچنین کتاب رسول خدا<sup>ص</sup> و یهود (عارف کشفی، ۱۳۹۵) در دو مرحله، تحلیل گسترهای از کینه‌توزی یهودیان و عوامل و انگیزهای آنها و جبهه‌گیری ایشان در قبال رسول خدا<sup>ص</sup> صورت داده است. با وجود این، در هر دو اثر، از راهبردهای پیامبر<sup>ص</sup> در مواجهه با یهودیان سخنی به میان نیامده است.

کتاب تحلیلی بر عملکرد پیامبر<sup>ص</sup> در برابر یهود (جدید بناب، ۱۳۹۰) در فصل آخر، به مراحل مواجهه پیامبر خدا با کارشناسی‌های یهود پرداخته؛ اما تفاوت آن با پژوهش حاضر در دسته‌بندی این مراحل در قالب راهبردهای فرهنگی- اجتماعی پیامبر<sup>ص</sup> در مواجهه با یهود است.

شباهت مقاله «راهبرد پیامبر<sup>ص</sup> در برابر فتنه‌های یهودیان مدینه» (زمانی محجوب، ۱۳۹۳)، با اثر پیش‌رو در ارائه راهبردهای پیامبر<sup>ص</sup> در مواجهه یهودیان مدینه است؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر در سنجش عوامل خارجی و محیطی، اعم از تهدیدها و فرصلت‌های یهودیان و نقاط ضعف و قوت ایشان نسبت به جامعه اسلامی و در نهایت، ارائه راهبرد است. وجه نوآوری این پژوهش در ترکیب مباحث مدیریت راهبردی، استفاده از الگوی سوات (SWOT)، شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی راهبردهای فرهنگی اجتماعی پیامبر<sup>ص</sup> در مواجهه با یهودیان است که در هیچ‌یک از نمونه‌های مذکور، چنین چیزی وجود ندارد.

### روش تحقیق

ابتدا با نقیبی به تاریخ اسلام و با واکاوی و شناخت علل، از چرایی مواجهه پیامبر<sup>ص</sup> با یهودیان سخن به میان آمده است. سپس با استفاده از سوات (SWOT)، راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر<sup>ص</sup> شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی شده تا راهبردهای مبتنی بر قرآن و سیره پیامبر<sup>ص</sup> به منظور استفاده حکومت‌های اسلامی در مدیریت جامعه اسلامی ارائه گردد.

«راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر<sup>ص</sup> در مواجهه با یهودیان» موضوع مهمی است که این تحقیق با روش «تحلیل تاریخ» براساس محوریت تاریخ‌نگاری قرآنی متأثر از تفسیرهای آثری و با استفاده از قرآن به‌مثابه منبع اصلی و همچنین مأخذ دست اول و برخی تحقیقات و مطالعات جدید در پی تحلیل و کاوش آن است.

### تبیین مفاهیم کلیدی

«مدیریت استراتژیک» شامل دو کلمه «مدیریت» (Management) به معنای اداره کردن و گرداندن (عمید، ۱۳۸۹) و «استراتژیک» (Strategic) به معنای سوق‌الجیشی و راهبردی است (همان، ص ۱۱۲).

«مدیریت استراتژیک» از لحاظ عملیاتی این گونه تعریف می‌شود: «هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات وظیفه‌ای چندگانه که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد» (فردآر، ۱۳۹۷، ص ۲۴). راهبرد (استراتژی) نیز تصمیماتی است که برای فرد یا شکار فرصت‌های بیش رو به نحوی دگرگون‌کننده و تحول آفرین اتخاذ می‌شود (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

«برنامه‌ریزی استراتژیک» یکی از زیرمجموعه‌های مهم مدیریت استراتژیک است که به شکل‌های گوناگون و در قالب‌های متفاوت ارائه می‌شود که متداول‌ترین آن، الگوی «SWOT» نام دارد. این الگو شامل بررسی نقاط قوت (Strength)، نقاط ضعف (Weakness)، فرصت‌ها (Opportunity) و تهدیدها (Threat) است و عنوان آن از حروف ابتدای این چهار جزء گرفته شده است.

در الگوی «SWOT» دو نوع بررسی صورت می‌گیرد:

یکی بررسی درونی که در برگیرنده قوتها و ضعف‌های داخلی سازمان است و امکان یک ارزیابی دقیق از منابع و محدودیت‌های سازمان را برای مدیریت فراهم می‌کند.

دوم کل‌نگری برنامه‌ریزی استراتژیک که ایجاب می‌کند به محیط بیرونی سازمان نیز توجه شود. از این‌رو، مدیریت پس از بررسی درونی به ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی می‌پردازد. بررسی بیرونی مواردی همچون شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، موقعیت را برای مدیریت مشخص می‌سازد. هنر مدیریت استراتژیک در آن است که بتواند بهترین ترکیب را که حاصل این بررسی‌هاست، برای برنامه‌ریزی به دست آورد (الوانی، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

در الگوی «SWOT» پس از فهرست کردن هریک از عوامل داخلی و خارجی، از محل تلاقی هریک از آنها، استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌شود. بنابراین، همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، SO، WT و WO می‌گردد (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸-۲۴۹). جزئیات این روش تجزیه و تحلیل در جدول (۱) ذکر شده است:

جدول (۱): تجزیه و تحلیل SWOT

فهرست ضعف‌ها (W)	فهرست قوتها (S)	عوامل داخلی عوامل خارجی
ناحیه ۳. راهبردهای محافظه‌کارانه (WO): استفاده از فرصت‌های بالقوه نهفته برای جبران نقاط ضعف	ناحیه ۱. راهبردهای تهاجمی یا گسترشی (SO): استفاده از فرصت‌ها با استفاده از نقاط قوت	فهرست فرصت‌ها (O)
ناحیه ۴. راهبردهای تدافعی یا پیشگیرانه (WT): به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدهای و نقاط ضعف	ناحیه ۲. راهبردهای متوع یا رقبای (ST): استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها	فهرست تهدیدهای (T)

طبق جدول مذبور، در حالت اول که سازمان از قوتهای درونی برخوردار است و محیط بیرونی نیز فرصت‌هایی را در اختیار سازمان قرار داده، بهترین شرایط برای بهره‌برداری وجود دارد و سازمان می‌تواند از این موقعیت نهایت استفاده را به عمل آورد.

در حالت دوم که سازمان دارای ضعف‌هایی است، اما محیط آماده بهره‌برداری نیست، مدیریت باید با تغییر در نوع خدمت یا کالای خود، از محیط مساعد استفاده کند و بر ضعف‌های سازمان خود فائق آید.

در حالت سوم که سازمان از قوتهای کافی برخوردار است، اما محیط مساعد نیست، باید ترتیبی اتخاذ شود که تهدیدهای محیط به فرصت تبدیل شوند و زیانی را متوجه سازمان نسازند.

در حالت چهارم که سازمان ضعف دارد و محیط نیز تهدیدآمیز است، سازمان باید از فعالیت کنونی صرف‌نظر کند و در پی آن باشد که با محصولی متفاوت، در بازار دیگر به کار خود ادامه دهد (همان، ص ۶۲-۶۳).

در ادامه با استفاده از روش مذبور، راهبردهای فرهنگی - اجتماعی پیامبر ﷺ در مواجهه با یهود بیان می‌گردد:

## تحلیل و ارزیابی عوامل

### ۱. تحلیل و ارزیابی عوامل داخلی

جدول (۲): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی

عوامل داخلی				
امتیاز وزنی	امتیاز	وزن		
.۰۴	۴	.۰۱	S1: قدرت تشكیل نظامهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تمدنی و تأسیس نهادهای خاص توسط پیامبر ﷺ	نماینده
.۰۱۵	۳	.۰۰۵	S2: اقتدار درونی امت اسلامی	
.۰۱۵	۴	.۰۰۵	S3: قدرت نظامی - اطلاعاتی	
.۰۸	۴	.۰۲	S4: خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری	
.۰۱	۲	.۰۰۵	S5: تقویت سطح علمی و فرهنگی مسلمانان	
.۰۸	۴	.۰۲	S6: ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ از جمله عصمت و تمسک به وحی	
۲.۴		.۰۶۵	جمع	
.۰۱	۲	.۰۰۵	W1: خطر اعتقادی و نظامی برخی مسلمانان ساده‌اندیش ناشی از جهل باقی‌مانده از دوران عصر جاهلی	نماینده
.۰۱۵	۳	.۰۰۵	W2: وضعیت نامناسب مالی و روحی مهاجران در سال‌های نخستین هجرت	
.۰۱۵	۲	.۰۰۵	W3: یهودزدگی برخی مسلمانان	
.۰۲	۴	.۰۰۵	W4: سیستعنصر بودن (نافرمانی) برخی نیروهای نظامی مانند سریچی برخی مسلمانان در جنگ احمد	
.۰۲	۴	.۰۰۵	W5: وجود منافقان در مدینه و همپیمانی با یهود	
.۰۲	۴	.۰۰۵	W6: نبود مکانی خاص برای دادوستد مسلمانان	
.۰۱	۲	.۰۰۵	W7: بافت قبیله‌ای، دینی و اختلافات قومی میان اوس و خرج	
۱.۱		.۰۳۵	جمع	
۳.۵		۱	جمع عوامل داخلی	

جمع امتیاز وزنی در عوامل داخلی سازمان حداقل ۱ و حداکثر ۴ و میانگین آنها ۲/۵ است. اگر نمره نهایی سازمان کمتر از ۲/۵ باشد؛ یعنی سازمان از نظر عوامل داخلی مجموعاً دچار ضعف است و اگر نمره نهایی بیشتر از ۲/۵ باشد بیانگر آن است که سازمان از نظر عوامل داخلی مجموعاً دارای قوت است. بنابراین در اینجا نیز نمره نهایی ۳/۵ بیانگر نقاط قوت بالای حکومت نبوی در مواجهه با یهودیان مدنیه است.

## ۲. تحلیل و ارزیابی عوامل خارجی

جدول (۳): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی

امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	عوامل خارجی
.۱	۲	.۰۵	O1: تاجر یون یهودیان؛ فرستی تجاری برای فروش کالاهای مسلمانان به روم / شام
.۰۶	۳	.۰۲	O2: فرصت خداباوری و وحی باوری یهود در ترویج اسلام و مؤید پیامبر یون؛ مانند اسلام آوردن مخرب
.۰۶	۲	.۰۳	O3: باسادیون یهودیان و مشرکان؛ فرستی برای بالایردن سطح علمی مسلمانان
.۰۸	۴	.۰۲	O4: مناطق حاصلخیز (از جمله خیر و فدک) به دست آمده از تقضی پیمان یهودیان؛ فرستی مناسب برای رونق اقتصادی مسلمانان
.۰۸	۴	.۰۲	O5: غنایم (خمس یا غیرخمس) به دست آمده از جنگ یا غی جنگ با یهود؛ فرستی مناسب برای ساماندهی مناسبات مالی مسلمانان
.۱۵	۳	.۰۵	O6: موقعیت جغرافیایی ویژه یثرب؛ یعنی واقع شدن در امتداد شاهراه تجارت، مجاورت با دریا و همچنین وجود حردها، نخلستان‌ها و چاههای فراوان
۱.۹۷		.۰۵۵	جمع
.۰۴	۴	.۰۱	T1: تهدیدهای اعتقادی، کلامی و عرفانی یهود
.۰۴	۴	.۰۱	T2: تهدیدهای اقتصادی یهود
.۰۴	۴	.۰۱	T3: تهدیدهای فرهنگی یهود
.۰۲	۴	.۰۰۵	T4: عناد و خصوصیات درونی اخلاقی و شخصیتی یهودیان
.۰۳	۳	.۰۱	T5: تهدیدهای نظامی، امنیتی و سیاسی یهود
۱.۷		.۰۴۵	جمع
۳۶۷		۱	جمع عوامل خارجی

جمع امتیاز وزنی در عوامل خارجی سازمان حداقل ۱ و حداکثر ۴ و امتیاز متوسط برای سازمان ۲/۵ است. امتیاز ۴ برای سازمان نشان‌دهنده واکنش عالی سازمان در استفاده از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدهای است. همچنین امتیاز ۱ نشان می‌دهد که استراتژی‌های موزون سازمان در استفاده از فرصت‌ها و پرهیز از تهدیدها توانمند نبوده است. در اینجا نیز نمره نهایی ۳/۶۷ بیانگر استفاده حکومت نبوی از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدها در مواجهه با یهودیان مدنیه است.

## راهبردهای فرهنگی - اجتماعی یکم. راهبرد «دستیابی به استقلال فرهنگی»

مهاجرت مسلمانان و بافت جمعیتی مدنیه، پیامبر ﷺ را با مشکلات خاصی روبرو کرد. دو قبیله اویس و خزر از

جنوب عربستان به شمال مهاجرت کرده بودند و در مدینه و بومگاههای اطراف آن سکونت داشتند (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳۰و ۳۸۶؛ ابن‌هشام، بی‌تا، الجزء‌الثانی، ص ۲). دیگر ساکنان مدینه تعداد قابل توجهی از قبایل یهودی بودند که در مدینه زندگی می‌کردند (جواد، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۹و ۵۲۲). از همین‌رو، تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی یهود در کنار تنوع قومی و فرهنگی جامعه مدینه، پایه‌ریزی نظام فرهنگی مستقلی برای اسلام و مسلمانان را با چالش مواجه کرد. پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی از جمله «قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و پویایی مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» از جمله عصمت و تمسمک به وحی، موفق شد با انتخاب راهبردی هوشمندانه، به تدریج، مسلمانان را به استقلال فرهنگی برساند تا مسلمانان را از آسیب‌های ناشی از واستگی به یهود و دیگر فرهنگ‌ها بازدارد؛ راهبردی که شاید در ابتدا پیشگیرانه بود، اما در نهایت به راهبرد گسترشی تبدیل شد، به‌گونه‌ای که در سال‌های اواسط هجرت، با فتح مکه، گرایش به اسلام فزونی یافت. جزئیات انتخاب این راهبرد، در جدول (۴) ذکر شده است:

جدول (۴) راهبرد دستیابی به استقلال فرهنگی

تکنیک	تاکتیک	عمل انتخاب راهبرد	نحوه دستیابی به راهبرد	جهت پیامبر ﷺ	جهت ایام	جهت دید
الف. اثبات نبوت و رسالت جهانی خویش	تاکتیک اول: هویت‌بخشی به مسلمانان از طریق اثبات نبوت، حقانیت و جاودانگی دین اسلام و کفر	پیامبر ﷺ با استفاده از برخی نقاط قوت از جمله «قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» از جمله عصمت و تمسمک به وحی موفق شدند با انتخاب راهبردی هوشمندانه، به تدریج مسلمانان را به استقلال فرهنگی برسانند تا از آسیب‌های ناشی از واستگی مسلمانان به یهود و دیگر فرهنگ‌ها جلوگیری کنند.	«قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» برای جلوگیری از تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی	نهضتی و سرتاسری (SO)	دیدنی با استقلال فرهنگی و ایمان	نهضتی و ایمان
ب. اثبات کفروزی‌بین گروهی از یهودیان به قرآن و معجزه بودن قرآن	با تکنیک دوم: هویت‌بخشی به جامعه اسلامی با تغییر ریا به کارگیری ابزارها، نهادها و نمادهای فرهنگی	پیامبر ﷺ با استفاده از برخی نقاط قوت از جمله «قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» برای جلوگیری از تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی	نهضتی و سرتاسری (SO)	دیدنی با استقلال فرهنگی و ایمان	نهضتی و ایمان	نهضتی و ایمان
ج. اثبات حقانیت و جاودانگی دین اسلام	با تکنیک سوم: ایجاد هویت واحد فرهنگی از طریق مرزنشدنی اعتقادی با یهودیان	پیامبر ﷺ با استفاده از برخی نقاط قوت از جمله «قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» برای جلوگیری از تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی	نهضتی و سرتاسری (SO)	دیدنی با استقلال فرهنگی و ایمان	نهضتی و ایمان	نهضتی و ایمان
الف. ایجاد سؤال	با تکنیک سوم: ایجاد هویت واحد فرهنگی از طریق مرزنشدنی اعتقادی با یهودیان	پیامبر ﷺ با استفاده از برخی نقاط قوت از جمله «قدار درونی امت اسلامی»، «خلاقیت و پویایی در مدیریت و رهبری» و «ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ» برای جلوگیری از تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی	نهضتی و سرتاسری (SO)	دیدنی با استقلال فرهنگی و ایمان	نهضتی و ایمان	نهضتی و ایمان
ب. بهره‌گیری از آیات قرآن						

تакتیک اول: هویت‌بخشی به مسلمانان از طریق اثبات نبوت، حقانیت و جاودانگی دین اسلام و کفر یهود یهودیان براساس بشارت‌های تورات برای درک پیامبر آخرالزمان، به مدنیه مهاجرت کردند. آنان در بحث و گفت و گوهای خود به مشرکان و دیگران می‌گفتند: برای ما پیامبری خواهد آمد که موجب برتری ما بر شما خواهد شد. اما بعد از هجرت ایشان به مدنیه، با آنکه نشانه‌های پیامبر اکرم را موافق با گفته‌های تورات یافتند، کفر ورزیدند. گروهی از یهودیان با تحریف تورات، سوءاستفاده از کلمات قرآن، تمسخر و استهزای مسلمانان، علیه پیامبر و دین اسلام شبیه‌پراکنی می‌کردند تا اذهان مسلمانان را در یافتن یک هویت مستقل دچار تزلزل و در نتیجه، پشیمانی از انتخاب اسلام کنند. ازین‌رو، تحریف در تورات، تحریب شخصیت و انکار نبوت پیامبر و زیرسؤال بردن معجزه ایشان از جمله شیوه‌های یهودیان در ممانعت از شکل‌گیری هویت مستقل برای مسلمانان بود. بدین‌روی، پیامبر در مقابل حجم بالای شبیه‌ها و تحریف‌های صورت‌گرفته توسط آنان با تمسک به آیات قرآن، نبوت خویش، جاودانگی قرآن و دین مبین اسلام را به اثبات رساندند و علاوه بر خنثاسازی جنگ نرم یهودیان، مسلمانان را در یافتن هویت اسلامی و دستیابی به استقلال فرهنگی موفق ساختند.

«سوءاستفاده از الفاظ قرآن» از جمله تحریفات یهود علیه پیامبر بود. در این‌باره خداوند در آیه ۴۶ سوره «نساء» می‌فرماید: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرُفُونَ الْكَلَمَ عَنْ مَا أَنْعَيْهُ وَ يَقُولُونَ سَمَعْنَا وَ عَصَبَنَا وَ اسْمَعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَ رَأَيْنَا لَيَّا بِالسَّتَّهِمْ وَ طَعَنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمَعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ اسْمَعْ وَ انْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمْ وَ لَكِنَ لَنْهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يَأْمُونُ إِلَّا قَلِيلًا»؛ برخی از کسانی که یهودی‌اند حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل‌های غلط و ناصواب] از جایگاه‌های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می‌دهند، و [به ظاهر به پیامبر] می‌گویند: [دعوت را] شنیدیم و [به باطن می‌گویند]: نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر بر ضد او فریاد می‌زنند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیت عیب‌جویی از دین [به آهنگی، کلمه] «راعنا» [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن»] است، تلفظ می‌کنند که برای شنونده، «راعیناً» - که معنای خارج از ادب دارد - تداعی می‌شود]. و اگر آنان [به جای این‌همه اهانت، از روی صدق و حقیقت] می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و [سخنان ما را] بشنو و به ما مهلت ده [تا معارف اسلام را درک کنیم] قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود؛ ولی خدا آنان را به سبب کفرشان لعنت کرده است. پس جز عده اندکی ایمان نمی‌آورند.

در تفسیر آیه مذکور آمده است: یکی از فعالیت‌های یهود تحریف حقایق و فرامین الهی بود. از این طریق، پیامبر و مسلمانان را به سخره می‌گرفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۸۶). بنابراین، یهودیان علاوه بر تحریف حقایق، اقدام به استهزای مسلمانان می‌کردند تا با انجام علمیات روانی و تضعیف روحیه مسلمانان، مانع شکل‌گیری هویتی مستقل برای آنان شوند.

خداآوند در آیه ۱۰۴ سوره «بقره» با افشاری توطئه آنان، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ عَمَّنْوَا لَا تَقُولُوا رَأَيْنَا وَ قُلُّوا انْطُرُنَا وَ اسْمَعُوْا وَ لِلْكَفَّارِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [هنگام سخن گفن با پیامبر مکویید: «رعانا»] [یعنی: در ارائه احکام، امیال و هوس‌های ما را رعایت کن] و بگویید: «انظرنا» [یعنی: مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمان‌های خدا و پیامبرش را] بشنوید. و برای کافران عذابی دردنک است.

در شأن نزول آیه فوق از ابن عباس (اعق) نقل شده است: «در صدر اسلام، هنگامی که پیامبر مشغول بیان آیات و احکام الهی بودند، مسلمانان گاهی از ایشان می‌خواستند کمی با تائی سخن بگوید تا بتوانند مطالب را بهتر درک کنند. آنها برای این درخواست، جمله «رعانا» را که از ماده «الرعی» به معنای «مهلت دادن» است، به کار می‌بردند. یهود همین کلمه «رعانا» را که از ماده «الرعونه» که به معنای «کودنی» و «حماقت» است، برای سبب یکدیگر استعمال می‌کردند. هنگامی که این کلمه را از مسلمانان شنیدند، آن را دستاویز قرار دادند و با استفاده از این جمله، پیامبر و مسلمانان را استهزا می‌کردند. از این‌رو، آیه فوق نازل شد و برای جلوگیری از سوءاستفاده یهود، به مؤمنان فرمان داد: به جای جمله «رعانا» از جمله «انظرنا» که همان مفهوم را دارد، استفاده کنند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۹).

تخرب شخصیت پیامبر و انکار نبوت ایشان یکی دیگر از اقدامات یهودیان علیه مسلمانان بود. یهودیان نه تنها اسلام را نپذیرفتند، بلکه در مقابل پیامبر موضع گرفتند و کوشیدند با تخریب پیامبر، شخصیت ایشان را نزد مسلمانان خدشهدار نمایند. خداوند در آیه ۱۰۱ سوره «بقره»، یهودیان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَهُمْ بَنَدَ فَرَيْقٌ مِّنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ كَتَابَ اللَّهِ وَرَأَءَ طُهُورِهِمْ كَانُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ و زمانی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی] کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند، گویی نمی‌دانند [که کلام خداست].

از این‌رو، پیامبر با اثبات نبوت و رسالت جهانی خود، با بیان کفوروزیدن گروهی از یهود به آیات قرآن و همچنین اثبات حقانیت اسلام، به مواجهه فرهنگی یهود پاسخ دادند. هویت‌بخشی به مسلمانان توسط پیامبر با سه تکنیک انجام شد:

### الف. اثبات نبوت و رسالت جهانی خویش

در حدیثی از امام حسن مجتبی<sup>ؑ</sup> اینچنین آمده است: عده‌ای از یهود نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای محمد، گمان می‌کنی فرستاده خدایی و همانند موسی بر تو وحی فرستاده می‌شود؟! پیامبر کمی سکوت کردند، سپس فرمودند: آری. من سید فرزندان آدم هستم و به این افتخار نمی‌کنم. من خاتم پیامبران و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانی‌ام. آنها پرسیدند: به سوی چه کسی: به سوی عرب یا عجم یا ما؟ خداوند آیه «فُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي

رسول الله ﷺ جمیعاً (بگو من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم) را نازل کرد و پیامبر ﷺ فرمود: رسالت من بر تمام جهانیان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

### ب. اثبات کفرورزیدن گروهی از یهودیان به قرآن و معجزه بودن قرآن

متزلزل ساختن جایگاه قرآن یکی از اقدامات یهود به منظور ممانعت از شکل‌گیری هویتِ مستقل برای مسلمانان بود. از این‌رو، گروهی از آنان با کفرورزیدن به آیات قرآن در تلاش بودند تا مرجعیت و معجزه بودن آن را زیرسؤال ببرند و مسلمانان را دچار شک و تردید کنند. پیامبر ﷺ نیز برای خنثای ساختن نقشه شوم آنان، با بیان آیات ۷۱ و ۷۰ سوره «آل عمران»، خطاب به طائفه‌ای از یهود می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ تَكُفُّونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ تَلِسُّونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكُمُّلُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا [در تورات و انجیل درباره اوصاف پیامبر اسلام] کفر می‌ورزید، درحالی که خودتان گواهی می‌دهید [که این آیات از سوی خدا نازل شده است؟] ای اهل کتاب! چرا درحالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مُشتبه می‌کنید و حق را پنهان می‌دارید [تا مردم گمراه بمانند؟!]

در شأن نزول آیه شریفه آمده است: چون پیامبر ﷺ نماز صبح را به طرف بیت‌المقدس (قبله یهودیان) و نماز ظهر را به سوی کعبه خواندند، طائفه‌ای از یهود گفتند: شما یهودیان ایمان بیاورید به وحی و دستوری که صبح نازل شد؛ یعنی به نماز خواندن رو به بیت‌المقدس، و کفر بورزید به حکمی که در آخر روز نازل شد؛ یعنی نماز خواندن به طرف کعبه.

مؤید دیگرش آن است که بعد از این سخن، آن‌گونه که قرآن حکایت نموده، گفتند: «وَ لَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ» (آل عمران: ۷۳)؛ یعنی: به کسانی که از دین شما پیروی نمی‌کنند، اعتماد نکنید، و به دین ایشان ایمان نیاورید و به ایشان نگویید که در تورات ما بشارت به دین شما و عالمیم بیغمبر شما آمده است. همچنین نگویید که تورات خبر داده است که قبله از بیت‌المقدس به کعبه برمی‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۵).

بنابراین، پیامبر ﷺ با بیان کفرورزیدن گروهی از یهود به آیات قرآن و معجزه بودن قرآن، علاوه بر اثبات حقایق قرآن در تورات، مسلمانان را نسبت به نیت سوء یهود آگاه نمودند و قرآن را مایه هویت‌بخشی مسلمانان قرار دادند.

### ج. اثبات حقایق اسلام و جاویدانگی آن

ادعای برتر بودن دین یهود بر دین اسلام یکی دیگر از اقدامات یهود در جهت هویت‌زدایی از مسلمانان بود. آنان به خاطر توهیم برگزیدگی و برتری دائمی خود بر سایر ادیان، خود را برتر از اسلام و حق را با دین یهود می‌دانستند. قرآن در آیه ۴۷ سوره «بقره» به موضوع برتری یهود اشاره کرده، می‌فرماید: «يَا بَنَى إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ ای بنی‌اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید.

اشارة قرآن به موضوع برتری بنی اسرائیل در آیه شریفه، دلیل برتری ذاتی آنان برای تمام دوران‌ها نیست، بلکه یک برتری نسبی بود و در دوره فرعون، خداوند بنی اسرائیل منتنهاد و آنان را بر فرعونیان برتری داد.

پیامبر<sup>ؐ</sup> برای هویتبخشی به مسلمانان در پاسخ به فخرفروشی برخی یهود، با تمسک به وحی الهی می‌فرمایند: «كُنْتُمْ خَيْرًا مِّنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِنَّمَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْلَا عَمَّا مَنَعَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که پدیدار شدهاید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آورندن قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسق‌اند.

این آیه در شأن این مسعود و ابی بن کعب و معاذین جبل و سالم مولی حذیفه نازل شد و علتش آن بود که دو یهودی (مالک بن ضیف و وهب بن یهود) به آنان گفتند: دین ما از آنچه ما را بدان دعوت می‌کنید، بهتر است و خود ما هم بهتر از شمایم. این آیه در جواب آنان نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۶).

**تакتیک دوم: هویتبخشی به جامعه اسلامی با تغییر / به کارگیری ابزارها، نهادها و نمادهای فرهنگی**  
هویتبخشی به جامعه اسلامی از جمله مؤلفه‌های اساسی در دستیابی یک جامعه به استقلال فرهنگی است. پیامبر<sup>ؐ</sup> پس از ورود به مدینه و تشکیل نخستین حکومت اسلامی، با فرهنگ‌هایی از جمله فرهنگ یهود و مشرکان روبرو شدند؛ فرهنگ‌هایی که هر کدام برخاسته از یک نگاه توحیدی یا غیرتوحیدی به عالم هستی شکل گرفته و نقشی اساسی در نحوه رفتارها و تعاملات پیروان هر فرهنگ با پیروان دیگر فرهنگ‌ها تعیین می‌کرد. ضرورتاً جامعه‌ای که بخواهد به استقلال فرهنگی دست یابد، لازم است در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر، هویت مستقلی برای خود تعریف کند. از این‌رو، پیامبر<sup>ؐ</sup> در بدو ورود به محله قبله، با تأسیس نهادی بی‌بدیل به نام «مسجد»، تلاش خود را با هدف هویتبخشیدن به مسلمانان آغاز کردند.

بررسی منابع تاریخی بیانگر این مطلب است که پیامبر<sup>ؐ</sup> برای هویتبخشی فردی، اجتماعی و فرهنگی به مسلمانان در مقابل فرهنگ یهود، با اتصال به وحی از برخی تکیک‌ها بهره گرفتند: «بهره‌گیری از قرآن در معرفی و رسوسازی یهود»، «مرجع‌سازی مسجد برای مسلمانان»، «تعیین نمادهای اختصاصی مانند اذان و اقامه» و «درخواست تغییر نماد مانند تغییر قبله».

### الف. بهره‌گیری از قرآن در معرفی و رسوسازی یهود

قرآن ابزار قدرتمند و مستحکمی است که پیامبر<sup>ؐ</sup> در موقعیت‌های گوناگون، برای معرفی و رسوسازی یهودیان از آن استفاده کردند. یهودیان با شیوه‌های گوناکون، از جمله شبه‌افکنی و تفرقه‌افکنی کوشیدند قرآن و نبوت پیامبر<sup>ؐ</sup> را انکار کنند تا شاید بتوانند روحیه مسلمانان را تضعیف نمایند. در اینجا به دو نمونه بهره‌گیری‌های پیامبر<sup>ؐ</sup> به منظور معرفی و رسوسازی یهود اشاره می‌کنیم:

## (۱) شبیه‌افکنی یهود

ایجاد شک و شبیه در عقاید مسلمانان از جمله نقشه‌های یهود بود. آنان از روحیه تضعیف شده مسلمانان پس از شکست در جنگ احمد استفاده کردند و با شبیه‌افکنی سعی در متزلزل ساختن روحیه مسلمانان داشتند. خداوند درباره شبیه‌افکنی یهود پس از شکست در جنگ احمد، در آیه ۶۹ سوره «آل عمران» می‌فرماید: «وَذَّتْ طَائِفَةً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضْلُّنَّكُمْ وَ مَا يُضْلُّنَّ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ»؛ گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که شما را [از راه خدا] گمراه کنند، در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌نمایند، و [این واقعیت را] درک نمی‌فمند.

پیامبر ﷺ نیز با بهره‌گیری از آیه ۱۰۹ سوره «بقره»، یهودیان را رسوا می‌کنند: «وَذَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُرْدُونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِإِمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برایشان روشن شد، به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. هم‌اکنون [از سنتیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند. به یقین، خدا بر هر کاری تواناست.

ابن عباس در شأن نزول این آیه می‌گوید: این آیه در پاسخ عده‌ای از یهود نازل شد که پس از واقعه احمد به مسلمانان گفتند: دیدید که دچار چه مصیبی شدید؟! اگر بر حق بودید، شکست نمی‌خوردید. پس به دین ما برگردید که بهتر است (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴).

## (۲) تفرقه‌افکنی یهود

«تفرقه‌افکنی» یکی دیگر از حربه‌های یهود در ممانعت از دستیابی مسلمانان به استقلال فرهنگی بود. بعد از هجرت پیامبر ﷺ، الفت و دوستی بین اوس و خزرج موجب ناراحتی عده‌ای از یهودیان گردید. آنان دنبال فرصتی بودند تا این اتحاد و دوستی را از بین ببرند. شاسبن قیس یکی از سالخوردگان یهود که در کفر خویش پایدار بود و کینه بسیاری از مسلمانان در دل داشت، روزی از کار جمعی از مسلمانان اوس و خزرج که مشغول گفت‌وگو بودند، عبور می‌کرد. با خود گفت: به خدا! اگر اینان با همدیگر متفق شوند ما نمی‌توانیم در این سرزمین زندگی کنیم. از این‌رو، به یکی از جوانان یهود که همراهش بود، دستور داد تا نزد آنان برود و در مجلسشان بشینند و از جنگ‌هایی که میان اوس و خزرج اتفاق افتاده بود، سخن بگوید و آنان را به جنگ با یکدیگر تحریک کند. آن جوان نیز به دستور شاسبن قیس عمل نمود و کاری کرد که مسلمانان به یکدیگر تفاخر ورزند و با برداشتن سلاح، فریاد جنگ سر دهند.

ماجرا به گوش پیامبر ﷺ رسید. ایشان به همراه جمعی از مهاجران به نزد اوس و خزرج آمدند و فرمودند: ای گروه مسلمانان، خدا را در نظر بیاورید! آیا دوباره به یاد دوران جاهلیت افتاده‌اید، در صورتی

که من در میان شما هستم و خداوند شما را به اسلام هدایت نمود؟ میان دل‌های شما که سال‌ها از هم دور بودید، اتحاد ایجاد کرد.

آنان با شنیدن سخنان پیامبر بیدار و از نیرنگ دشمن آگاه شدند. ازاین‌رو، همگی درحالی که گریان بودند، یکدیگر را در آغوش کشیدند و همراه با پیامبر به شهر بازگشتند. در نتیجه، نقشه شوم شاس بن قیس نقش بر آب شد (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۵).

پیامبر با پهنه‌گیری از قرآن در موضعی هوشمندانه، یهودیان را به خاطر بازداشت از راه خدا، توبیخ کردند و آنان را نسبت به سرنوشت کارشان هشدار دادند.

### ب. استفاده از نمادها: اذان و اقامه

«نماد» ابزاری دیداری - شنیداری است که از آن برای «انتقال» «تأیید» یا «ارتقای ترغیب» استفاده می‌شود. شرط مؤثر بودن هر نمادی قابلیت تشخیص، معناداری و قابلیت انتقال پیام است. در این زمینه، انتقال پیام به مخاطب هدف در ماهیت خود نماد نهفته است. بیشتر نمادها چنان قدرتمند و جهان شمول‌اند که همزمان هر سه مخاطب را هدف قرار می‌دهند (جنیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴-۱۴۵).

یهودیان و مسیحیان صدر اسلام، هر کدام به گونه‌ای مردم را به برگزاری عبادت فرامی‌خوانند. در اسلام نیز اذان از شعائر زیبایی است که مسلمانان را به عبادت نماز فرامی‌خواند. «شعائر» به معنای نشانه و نماد است. ازاین‌رو، اذان را می‌توان نمادی هویت‌بخش برای مسلمانان به هنگام اقامه نماز در اوقات پنجگانه قلمداد کرد. استفاده هوشمندانه پیامبر از این نماد، اقدامی پیشگیرانه برای در امان ماندن مسلمانان از گرایش به نمادهای دیگر ادیان از جمله یهود بود؛ زیرا یهودیان از شیبور برای دعوت به نماز استفاده می‌کردند (مسعودی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۲۸۹).

این نmad اختصاصی علاوه بر آنکه موجب هویت‌بخشی به مسلمانان شد، موجب ناراحتی برخی از یهودیان نیز گردید. یهودیان برای تخریب جایگاه اذان نزد مسلمانان، آنان را مسخره می‌کردند، تا جایی که خداوند در آیه ۵۷ سوره «مائده» خطاب به یهودیان می‌فرماید: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُنُّوا وَلَعِنًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»؛ و چون برای نماز ندا درمی‌دهید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این کار زشتیان به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که [در حقایق و معارف] نمی‌اندیشند.

در شأن نزول این آیه آمده که وقتی مؤذن پیامبر مسلمانان را به نماز فرامی‌خواند، یهودیان می‌گفتند: برای ریشخند و تقریح به نماز برویم (واحدی نیشاوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۵). یهودیان با استهزای مسلمانان، سعی در تخریب هویت آنان داشتند. پیامبر اکرم نیز با استفاده هدفمند از اذان و تکرار آن در طول شبانه‌روز، در نحوه عبادت کردن، به مسلمانان هویت‌بخشیدند. این هویت‌بخشی بدین‌گونه بود که هر مسلمانی با توجه به مضامین

ارزشمند اذان، بعد از گواهی به یکتایی خدا، به رسالت پیامبر ﷺ شهادت می‌داد و اینچنان، مسلمانان در طول شباهنجه روز اعلام می‌کردند که ما خدا و پیامبری داریم که هدایت‌کننده ماست.

### ج. درخواست تغییر نهاد: تغییر قبله

تغییر قبله از بیتالمقدس به کعبه از جمله وقایع مهم تاریخ اسلام و یکی از راهکارهای مؤثر پیامبر ﷺ در هویت بخشیدن به مسلمانان بود. یهودیان به مسلمانان می‌گفتند: شما از خود استقلال ندارید و دین اسلام، دین مستقلی نیست؛ زیرا شما به سوی قبله ما نماز می‌گزارید. در چنین شرایطی بود که قبله از بیتالمقدس به کعبه تغییر کرد.

در مسئله قبله مسلمانان، طعنه‌های یهودیان برای پیامبر ﷺ و مسلمانان ناگوار بود، ولی آنان مطیع فرمان خدای متعال و متظر امر الهی بودند. گویا شخص پیامبر ﷺ نیز منتظر وحی الهی بود، تا اینکه به وسیله وحی، فرمان تغییر قبله صادر شد و درحالی که ایشان دو رکعت نماز ظهر را در مسجد «بنی‌سالم» به سوی بیتالمقدس خوانده بودند، جبرئیل مأمور شد بازوی ایشان را بگیرد و روی ایشان را به طرف کعبه برگرداند (طبرسی، ج ۱۳۷۲، ۴۱۵-۴۱۷).

تغییر قبله یهودیان را بسیار ناراحت کرد و آنان طبق شیوه دیرینه خویش، شروع به بهانه‌جویی کردند. خداوند متعال در آیه ۱۴۲ سوره «بقره» می‌فرماید: **سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَيْهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لَهُمْ أَمْشِرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**؛ به زودی مردم سبک‌مغز می‌گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله‌ای که بر آن بودند [یعنی بیتالمقدس، به سوی کعبه] گردانید؟ بگو: مالکیتِ مشرق و غرب فقط از آن خداست. هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

یهودیان پس از نامیدی از خدشده‌دار کردن دین و احکام اسلام، باز تمایل خود به تغییر قبله به سوی بیتالمقدس را نشان دادند. به همین علت، عده‌ای از اشراف یهود نزد پیامبر ﷺ آمدند و از ایشان خواستند تا قبله را به سمت بیتالمقدس بازگرداند. آنان گفتند: اگر به سوی بیتالمقدس برگردی، ما از تو پیروی کرده، تو را تصدیق می‌کنیم (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۰).

خداوند در آیه ۱۴۵ سوره «بقره» پاسخ داد: **وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ إِعْيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَكَ وَ مَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَ مَا يَعْصُمُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهِمْ**؛ و [به خدا سوگند)، اگر برای اهل کتاب هر نشانه و دلیلی بیاوری از قبله تو پیروی نمی‌کنند و تو هم از قبله آنان پیروی نخواهی کرد و [نیز] برخی از آنان [که یهودی‌اند] از قبله دیگران [که نصرانی‌اند] پیروی نخواهند کرد. اگر پس از دانشی که [همچون قرآن] برایت آمده است از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، مسلماً در آن صورت از ستمکاران خواهی بود.

هر چند تغییر قبله به اذن خداوند و از جانب ذات اقدس الهی انجام گرفت، اما نکته کلیدی آن، مواجهه اعتقادی پیامبر و یهود بود که آنان، مسلمانان را به سبب نداشتن قبله مستقل تمسخر می‌کردند و هدفšان وانمود کردن عدم استقلال فرهنگی مسلمان در موضوع قبله بود.

پیامبر با تغییر قبله، علاوه بر پاسخدادن به طعنه‌های یهود، کعبه را به نماد مسلمانان در عبادت خداوند معرفی کردند و با این کار، هویت عبادی مسلمانان را رشدی اساسی بخشیدند، به‌گونه‌ای که تغییر قبله، استقلال فرهنگی مسلمانان را به رخ یهودیان کشید. جالب اینکه راهکار پیامبر، مسلمانان را در چشم مردم جامعه مستقل جلوه داد و زمینه‌ای را برای اسلام‌آوردن اعراب فراهم آورد؛ زیرا اعراب برای کعبه اهمیت زیادی قائل بودند.

### تакتیک سوم: ایجاد هویت واحد فرهنگی با مرزبندی اعتقادی با یهودیان

ایجاد هویت واحد فرهنگی به‌واسطه مرزبندی اعتقادی میان مسلمانان و یهودیان یکی دیگر از ارزشمندترین تکنیک‌های پیامبر در مسیر دستیابی به استقلال فرهنگی مسلمانان و جامعه اسلامی بود. تمرکز یهود بر دو حوزه «فرهنگ» و «اقتصاد» مدینه و اوضاع دادوستد و بازار، به‌گونه‌ای بود که مسلمانان در سال‌های اول هجرت به سبب وابستگی مالی، فرهنگشان نیز گرفتار اعتقادات باطل یهودیان شده بود. رهایی مسلمانان از این گرفتاری‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی یهود مستلزم پیدایش هویت واحد فکری، اعتقادی، اخلاقی و فقهی بود تا بتوانند در قالب یک نظام فکری واحد از یهود جدا شوند، با دیگر مسلمانان بیوند بخورند و هویت فرهنگی واحدی ایجاد کنند.

برخی از مرزبندی‌های اعتقادی صورت‌گرفته توسط پیامبر در دو بحث «توحید» و «نبوت» در قالب تکنیک‌های ذیل محقق شد:

#### الف. ایجاد سؤال

در مبحث «توحید»، نگاه الحادی یهودیان به خداوند متعال منجر به ادعاهای بی‌اساسی همچون «فرزند خدا بودن» شد. در این بخش از تکنیک «ایجاد سؤال» استفاده شد. در آیه ۱۸ سوره «مائده» آمده است: یهودیان و مسیحیان ادعا کردند که ما فرزندان خداییم و به سبب همین قرابت، خداوند ما را در آخرت عذاب نمی‌کند: «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَجِئَوْهُ»؛ و یهود و نصارا گفتند: ما پسران خدا و دوستان اوییم.

آن با نوعی مجازگویی، می‌خواهند شرافتی برای خود بترانند. پیامبر در مقابل ادعای آنان، از تکنیک «ایجاد سؤال» استفاده کردند و خطاب به آنان فرمودند: «فَلِمَ يَعْدِبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّنْ خَلْقَ يَغْفُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ»؛ اگر پندار شما صحیح است و در این افترا به خطا نمی‌روید، چرا خداوند شما را در برابر گناهاتتان

کیفر می‌دهد؟ (همان) زیرا قاعده این است که دوست بر دوست و پدر بر پسر ترحم کند و عذابش نکند، با اینکه آنها اقرار دارند که خداوند آنها را عذاب می‌کند، و این مطلب مطابق تورات است و اگر قبول نداشته باشند کافرند (طبری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۷۳).

برخی گفته‌اند: «یعدب» اگرچه مضارع است، لیکن به معنای ماضی است؛ یعنی چرا شما را عذاب کرد؟ شما اقرار دارید که بر اثر پرسش گوساله سامری گرفتار عذاب خداوند شدید و همچنین خداوند به کیفر کرداران، شما را به شکل بوزینه و خوک درآورد و بخت النصر را بر شما مسلط ساخت تا شما را به سختی شکنجه دهد. آیا اینها عذاب نیست؟ اگر شما دوستان خدا هستید، چرا عذابتان کرد؟ (همان)

### ب. بهره‌گیری از آیات قرآن

یکی از تکنیک‌هایی که پیامبر ﷺ در راستای ایجاد هویت واحد فرهنگی از طریق مرزبندی اعتقادی با یهودیان استفاده می‌کردد، تکنیک بهره‌گیری از آیات قرآن بود؛ چراکه مسلمانان در اصول اعتقادی نیازمند مرزبندی اساسی با یهودیان بودند. پیامبر ﷺ با عنایت به آیه ۹۷ سوره «بقره» با خطاب قرار دادن یهودیان، به این بحانه که جبرئیل آورنده وحی است و با او دشمن هستند پس به پیامبر ﷺ ایمان نمی‌آورند، می‌فرماید:

«فَلْ مَنْ كَانَ عَذُولًا لِجِنْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ يَأْذِنُ اللَّهُ مُصْدِقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ [آنان می‌گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می‌آورد ما با او دشمنیم؛ بنابراین به تو ایمان نمی‌آوریم] بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست]؛ زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، درحالی که تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

### دوم. راهبرد «خنثاسازی و مقاومسازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی»

ایجاد جنگ اعتقادی (مانند انکار، کتمان نبوت پیامبر ﷺ، تحریف پیامبر ﷺ، و نیازمند دانستن خداوند) و عملیات روانی علیه اسلام و مسلمانان از جمله فعالیت‌های یهودیان در دوران ده ساله حکومت نبوی بود. فعالیتی که اگر پیامبر ﷺ برنامه‌ای برای خنثاسازی و کنترل آن نداشتند، بهزودی جلوی رشد نهال نوپای اسلام را می‌گرفت و به تدریج آن را می‌خشکاند.

بدین‌روی، پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی همچون «اقتدار درونی امت اسلامی» و «ویژگی خاص پیامبری» مانند عصمت و تمسمک به قرآن و به کارگیری راهبرد هوشمندانه «خنثاسازی و مقاومسازی مسلمانان در مقابل جنگ اعتقادی و عملیات روانی» توانستند نقشه شوم یهودیان را نقش برآب نمایند و نظام دین اسلام و حکومت دینی را به نحو احسن پایه‌ریزی کنند و آن را در برابر تهدیدهای اعتقادی حفظ کنند. جزئیات انتخاب این راهبرد در جدول (۵) ذکر شده است:

جدول (۵): راهبرد خنثاسازی و مقاومسازی مسلمانان در مقابل چنگ فرهنگی

حوزه	راهبرد	نوع	نحوه دستیابی به راهبرد	علت انتخاب راهبرد	تاکتیک	تکنیک
فرهنگی	خشنادانه و متفاوت سازی مسلمانان در مقابل یهود	(ST)	استفاده از «قدار درونی امت اسلامی» و بیزگی خاص و عقایدی و تهدیدهای فرهنگی و اسلامی	پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی از جمله «قدار درونی امت اسلامی» و بیزگی خاص پیامری، مانند عصمت و تمسک به قرآن با اتخاد راهبرد هوشمندانه «خشنادانی و مقاآم سازی مسلمانان در مقابل یهود	(وشنگری در برابر ماهیت و توجههای دشمن)	الف. بهره‌گیری از آیات قرآن
ب. مناظره با یهود	خشنادانه و متفاوت سازی مسلمانان در مقابل یهود	اعتقادی	اعتقادی و عملیات روانی» توانستند نقشه شوم یهودیان را بر آب نمایند و نظام دین اسلام و حکومت دینی را به نحو احسن پایه‌ریزی پایه‌ریزی کنند و آن را در برابر تهدیدهای اعتقادی حفظ نمایند	پیامبر ﷺ با استفاده از نقاط قوتی از جمله «قدار درونی امت اسلامی» و بیزگی خاص و عقایدی و تهدیدهای فرهنگی و اسلامی	(وشنگری در برابر ماهیت و توجههای دشمن)	

**پیامبر ﷺ** برای دستیابی به این راهبرد، از تکنیک‌هایی استفاده کردند که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف. بهره‌گیری از آیات قرآن

برای نمونه، می‌توان به بیان لجاجت و خیال‌پردازی دامنه‌دار یهود در تهمتزنی به فرشتگان و دشمنی و حسادت با پیامبر ﷺ اشاره نمود. بن‌صوریا، عالم‌ترین شخصیت یهودی در ماجراهی رجم یهودیان، به خدا قسم یاد می‌کند و می‌گوید: یهودیان می‌دانند که شما نبی مرسل هستید، لیکن به شما حسد می‌ورزند (بن‌هشام، بی‌تله، ج ۱، ص ۵۶۵). به اعترافِ این شخصیت، یهودیان از نبوت پیامبر ﷺ و ارتباط او با خداوند به‌وسیله جبرئیل امین مطلع بودند؛ اما مسئله مهمی که در اینجا جلب توجه می‌کند لجاجت عمده و تلاش در آزار و اذیت پیامبر ﷺ توسط یهودیان است. آنان دامنه لجاجت را آن قدر گستردند که علاوه بر حسادت به پیامبر ﷺ، فرشتگان را نیز آماج تهمتزنی خویش قرار دادند.

خداوند در پاسخ به این تهمت‌زنی آنان در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره «بقره» می‌فرماید: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَبْلِكَ يَأْذِنُ اللَّهُ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنُ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوًّا لِلْكَافِرِينَ»؛ [آنان می‌گویند: چون جبرئیل وحی را برای تو می‌آورد ما با او دشمنیم و بنابراین به تو ایمان نمی‌آوریم]. بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست]؛ زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، درحالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است. هر که با خدا و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد کافر است]، و بی‌تردید خدا دشمن کافران است.

بنابراین پیامبر خدا با بر جسته کردن دشمنی یهود، جنگ اعتقادی و عملیات روانی یهود علیه مسلمانان را خنثا کردند.

### ب. مناظره با یهود

نمونه این تکنیک پاسخ به سؤال‌های یهود و رفع آشوب، بلوا و اضطراب از مسلمانان است. یهودیان می‌کوشیدند تا با ایجاد شبیه و طرح سؤالات به ظاهر پیچیده و سخت، در دل‌های مسلمانان ایجاد آشوب، بلوا و اضطراب کنند و پیامبر ﷺ را از برخی اسرار کم‌اطلاع جلوه دهند.

ترمذی در سنن خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند: عده‌ای از یهودیان به برخی از اصحاب پیامبر ﷺ گفتند: آیا پیامبر شما از تعداد خزانه‌های جنهم باخبر است؟ یاران پیامبر در پاسخ این دسته از یهودیان گفتند: ما باید از پیامبر خود سؤال کنیم. آنان بعد از مراجعته به پیامبر ﷺ و طرح سؤال از ایشان، اذعان کردند که از یهودیان شکست خورده‌اند.

پیامبر ﷺ در پاسخ مسلمانان گفت: آیا گروهی که چیزی را نمی‌دانند و از پیامبرشان سؤال می‌کنند، شکست خورده‌اند؟ ایشان ادامه دادند که یهودیان از پیامبرشان، حضرت موسی می‌پرسیدند، گفتند: «أرنا الله جهرة»! آنان به خاطر با دشمنی با خدا گفتند که ما باید خدا را ببینیم تا سخنان تو را قبول کنیم.

به همین سبب، وقتی جماعت یهود و مسلمانان خدمت پیامبر ﷺ آمدند و از تعداد خزانه‌های جهنم پرسیدند، پیامبر به این سؤال پاسخ دادند و سپس از یهودیان سؤال کردند: خاک بهشت از چیست؟ آنان ساكت شدند و با شرمندگی، سر به زیر انداختند. یهودیان پرسیدند: ای ابا القاسم، آیا نان است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: (چیزی شبیه) آرد سفید نرم شده است (شقاری، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۳۳).

### نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم ﷺ بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، با تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی یهود مواجه شدند. ایشان در این شرایط می‌بایست برای رشد و گسترش نهال نوپای اسلام، راهبردهایی را در مواجهه فرهنگی با یهود به کار می‌گرفتند تا علاوه بر رعایت همگانی بودن رسالت‌شان، دین اسلام را به استقلال برسانند. تحلیل رفتارهای پیامبر ﷺ در این مواجهه براساس الگوی «SWOT» بیانگر آن است که ایشان با بهره‌گیری از نقاط قوت موجود در حکومت اسلامی و همچنین با استفاده از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدهای، با اتخاذ راهبردهای گسترشی و هوشمندانه موفق بودند. این پژوهش به دو راهبرد «دستیابی به استقلال فرهنگی» و «اختناسازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابل جنگ فرهنگی» اشاره کرد.

## منابع

- ابن حزم، علی بن احمد، ۱۴۰۳ق، *جمهوره انساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالمک بن، بی تا، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شبی، بیروت، دارالمعرفه.
- الواتی، سیدمهدی، ۱۳۹۳، *مدیریت عمومی*، ج پنجاه و یکم، تهران، نشر نی.
- جدیدبناب، علی، ۱۳۹۰، *تحلیلی بر عملکرد پیامبر* در برابر یهود، ج پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جنیدی، رضا، ۱۳۹۳، *تکنیک‌های عملیات روانی و سیووه‌های مقابله*، ج چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جواد، علی، ۱۴۱۳ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعه بغداد.
- زمانی محجوب، حبیب، ۱۳۹۳، «راهبرد پیامبر» در برابر فتنه‌های یهودیان مدنیه، *معرفت*، ش ۱۹۶، ص ۳۹-۵۰.
- شقاری، عبدالله بن ثار، ۱۹۹۶، *الیهود فی السنة المطہرہ*، ریاض، دار طبیبة للنشر والتوزیع.
- صادقی، مصطفی، ۱۳۸۷، *پیامبر و یهود حجاز*، ج سوم، قم، بوستان کتاب.
- طبارة، عفیف عبدالفتاح، ۱۹۷۹، *الیهود فی القرآن*، ط. السبعه، بیروت، دارالعلم للملايين الہلال.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و مقدمه محمدجواد بالاغی، ج سوم، تهران، ناصر خسرو.
- ، ۱۳۷۷، *جواعن الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه.
- عارف کشفي، سیدجعفر، ۱۳۹۵، *رسول خدا و یهود*، قم، دانشگاه ادبیان و مذاهب.
- علی احمدی، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۲، *تکریشی جامع بر مدیریت استراتژیک*، ج هشتم، تهران، تولید دانش.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- فردآر، دیوید، ۱۳۹۷، *مدیریت استراتژیک*، ترجمه علی پارساپیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، ط. الثانیه، تهران، صدر.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۹۹۶، *صوچ الذهب و معادن الجوهر*، بیروت، دارالاندلس.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۳۸۳، *اسباب النزول*، ترجمه علیرضا ذکاوی قرائکلو، تهران، نشر نی.